

بررسی تطبیقی خلود در جهنم از منظر مذاهب اسلامی با تأکید بر سرنوشت ابدی کفار

انور بامری^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۱۱

مهدی فرمانیان^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۲۱

فرزاد فولادی‌ونه^۳

چکیده

خلود در جهنم یکی از مسائل بنیادین معادشناسی اسلامی است که به بررسی نسبت میان عدل و رحمت الهی با سرنوشت اخروی می‌پردازد. این پژوهش به شیوه‌ای تحلیلی - تطبیقی و با اتکا به منابع کتابخانه‌ای، دیدگاه‌های شش مذهب اسلامی شامل امامیه، اشاعره، ماتریدیه، اهل حدیث، زیدیه و اسماعیلیه را درباره خلود کفار و مرتکبان کبیره تحلیل کرده است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که میان تمامی مذاهب، اجماعی بر خلود کفار بدون توبه وجود دارد، هر چند مبانی کلامی آنان متفاوت است. امامیه و اسماعیلیه ایمان را مشروط به ولایت می‌دانند، در حالی که اشاعره و ماتریدیه آن را تصدیق قلبی تلقی می‌کنند و زیدیه ترکیبی از تصدیق و عمل را مدنظر قرار می‌دهند. در مورد مرتکبان کبیره، اکثر مذاهب (به جز زیدیه) بر عدم خلود تأکید دارند و امکان شفاعت و عفو الهی را می‌پذیرند. تحلیل تطبیقی این مسأله نشان می‌دهد که اختلاف اصلی در تعریف ایمان و ارتباط آن با عمل نهفته است؛ زیدیه با رویکرد عمل‌گرایانه، مفهوم خلود را به کبائر نیز تسری داده‌اند. این پژوهش با برجسته‌سازی وجوه مشترک، علاوه بر نقد مبانی متعارض، بر ظرفیت‌های تقریب و همگرایی مذهبی تأکید دارد و می‌تواند به گفت‌وگوهای بین‌مذهبی معاصر درباره عدل، رحمت و کارکرد وعیدهای الهی یاری رساند.

واژگان کلیدی: خلود، عذاب کفار، مرتکب کبیره، معادشناسی، مذاهب اسلامی.

۱. دانش آموخته سطح چهار، کلام اسلامی، حوزه علمی قم، ایران. anvarbamari320@gmail.com
۲. استاد تمام گروه مذاهب اسلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی، قم، ایران. m.farmanian@chmail.ir
۳. دانش‌پژوه سطح سه، مذاهب اسلامی، مؤسسه آموزش عالی ائمه اطهار علیهم‌السلام، قم، ایران، «نویسنده مسئول». fooladifarzad576@gmail.com

مقدمه

خلود در جهنم یکی از مباحث اساسی معادشناسی در اندیشه اسلامی است که همواره توجه متکلمان را به خود جلب کرده است. این مسئله، نسبت میان عدل و رحمت الهی را با سرنوشت اخروی انسان‌ها مورد بررسی قرار می‌دهد. بحث خلود، علاوه بر ابعاد نظری، پیامدهای عمیقی در حوزه تربیتی، انگیزشی و تبیین کارکرد وعیدهای الهی دارد و درک صحیح آن نقشی کلیدی در تبیین نگرش‌های هر مذهب ایفا می‌کند. پرسش اصلی این پژوهش، ماهیت و مبانی اختلاف مذاهب اسلامی در خصوص خلود (جاودانگی) کفار و مرتکبان گناه کبیره در جهنم است. فرضیه تحقیق بر این پایه استوار است که تمامی مذاهب اسلامی (امامیه، اشاعره، ماتریدیه، اهل حدیث، زیدیه و اسماعیلیه) بر خلود کفار بدون توبه اجماع دارند، اما اختلاف بنیادین در تعریف «ایمان» و ارتباط آن با «عمل» وجود دارد که منجر به تسری خلود به مرتکبان کبیره در مذهب زیدیه شده است. علاوه بر این، نحوه جمع‌بندی مذاهب اسلامی میان آیات و روایات مختلف و میزان اشتراک و اختلاف دیدگاه‌ها، جایگاه مهمی در این بحث دارد.

ضرورت بحث حاضر از سه جنبه قابل توجه است. از بُعد کلام، خلود به‌عنوان یکی از مسائل بنیادین کلامی محسوب می‌شود که با اصول عدل الهی و فهم وعد و وعید ارتباط مستقیم دارد و در تعیین سرنوشت اخروی مؤمنان و کفار تأثیرگذار است. از منظر تقریب و همگرایی، بررسی تطبیقی آراء مذاهب با رویکردی منصفانه و شناسایی وجوه اشتراک (مانند اجماع بر خلود کفار) زمینه‌ساز نزدیکی دیدگاه‌ها و اجتناب از نسبت‌های نادرست به دیگر مذاهب خواهد بود. این پژوهش همچنین با برجسته‌سازی وجوه مشترک و تحلیل اختلافات، بر ظرفیت‌های همگرایی مذهبی تأکید دارد و می‌تواند به گفت‌وگوهای بین‌مذهبی معاصر در موضوعاتی چون عدل، رحمت و کارکرد وعیدهای الهی یاری رساند.

پژوهش حاضر به تبیین و تحلیل تطبیقی دیدگاه‌های مذاهب اسلامی در باب خلود کفار در جهنم و سرنوشت مرتکبان گناه کبیره می‌پردازد. هدف اصلی آن مقایسه مبانی کلامی، آیات قرآنی، روایات و اجماع متکلمان، و تحلیل تفاوت‌ها و اشتراکات این مذاهب است. این تحقیق با رویکرد تحلیلی - تطبیقی و مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای انجام شده و دیدگاه‌های

شش گانه مذاهب اسلامی (امامیه، اشاعره، ماتریدیه، اهل حدیث، زیدیه و اسماعیلیه) را مورد بررسی قرار می‌دهد.

۱. پیشینه پژوهش

در بررسی منابع موجود، مشخص گردید که مسئله خلود در جهنم به واسطه اهمیت آن در اصول عدل الهی و معادشناسی، همواره مورد توجه اندیشمندان اسلامی بوده است. با این حال، بر اساس جست‌وجوهای انجام‌شده در پایگاه‌های اطلاعاتی معتبر، اثری جامع و مستقل که به‌طور ویژه به این موضوع پرداخته باشد، یافت نشد.

بیشتر آثار موجود یا بر یک مذهب خاص متمرکز هستند یا به‌صورت ضمنی و در ذیل مباحث گسترده‌تر کلامی (مانند وعد و وعید، تعریف ایمان و کفر و شفاعت) به این موضوع اشاره کرده‌اند. در ادامه، به مهم‌ترین آثار و مقالات مرتبط اشاره می‌شود که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بخشی از موضوع این پژوهش را دربرمی‌گیرند.

۱. مقاله «بررسی تحلیلی مسئله جاودانگی عذاب مسلمان گناهکار در مذاهب اسلامی» به قلم سید محمد مهدی حسین پور و حمید ملک‌مکان در نشریه قیسات، تابستان ۱۳۹۵ شمسی منتشر شده است. این اثر کیفیت عذاب مرتکب‌کننده را از منظر مذاهب مختلف ارزیابی کرده و به نتیجه‌گیری رسیده که معتزله، زیدیه و خوارج به خلود عذاب مرتکب‌کننده اعتقاد دارند.

۲. مقاله «خلود در عذاب جهنم از منظر ابن قیم جوزی و علامه طباطبایی» نوشته جناب ایزدی، مجید صادقی حسن آبادی و فاطمه یوسفی کزج در نشریه الهیات تطبیقی، پاییز و زمستان ۱۳۹۵ شمسی به چاپ رسیده است. در این تحقیق، نویسندگان معتقدند که ابن قیم به خلود در نار و عدم خلود در عذاب باور دارد، در حالی که علامه طباطبایی قائل به خلود در عذاب کفار می‌باشد و خلود در نار و عذاب را لازم و ملزوم یکدیگر می‌داند.

۳. مقاله «بررسی تطبیقی آیات خلود در جهنم از منظر علامه طباطبایی و فخر رازی»، به قلم کریم علی محمدی و عبدالمجید علی محمدی، در نشریه مطالعات تفسیری، زمستان ۱۳۹۵ شمسی منتشر شده است.

۴. مقاله «معناشناسی خلود در جهنم بر محور هم‌نشینی» نوشته عبدالهادی فقهی‌زاده، محمد هادی امین ناجی و رضوان حاجی شرفی در فصلنامه متون مطالعات اسلامی، پاییز ۱۳۹۸ شمسی منتشر گردیده و به بررسی واژه «خلود» پرداخته است.

۵. مقاله «نگره خلود کفار در عذاب جهنم؛ بررسی نظریات فیض کاشانی و علامه طباطبایی» به قلم مریم خوشدل روحانی و زهرا رحمانی در نشریه علمی فلسفه و کلام اسلامی «آیین معرفت» در سال ۱۳۹۵ منتشر گشته که هدف نویسندگان آن، تحلیل نظریات دو عالم اسلامی در این زمینه می‌باشد.

مقاله حاضر با ارج گذاری به پژوهش‌های پیشین، رویکردی متمایز را اتخاذ کرده است. در این پژوهش، روش تطبیقی با مقایسه مبانی کلامی، به ویژه نسبت ایمان و عمل، نشان می‌دهد که چرا زیدیه نظریه خلود را به مرتکبان گناهان کبیره تسری می‌دهند. هم‌چنین، هدف این تحقیق ایجاد تفاهم بین مذاهب مختلف و تأکید بر وجوه مشترک دیدگاه‌ها است. شایان ذکر است که این پژوهش با رویکرد تحلیلی - تطبیقی و مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای انجام شده است تا دیدگاه‌های مذاهب اسلامی شامل امامیه، اشاعره، ماتریدیه، اهل حدیث، زیدیه و اسماعیلیه را در باب خلود کفار و مرتکبان گناهان کبیره بررسی کند. هدف اصلی آن مقایسه مبانی کلامی، آیات قرآنی، روایات و اجماع متکلمان و تحلیل تفاوت‌ها و اشتراکات میان این مذاهب است.

۲. مفهوم‌شناسی

۱-۲. خلود

خلود در لغت به معنای دوام و در اصطلاح کلامی به اقامت ابدی در عذاب یا نعمت اخروی اشاره دارد. (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۲۰۸/۲) این مفهوم فراتر از تعریف لغوی و اصطلاحی، پرسش‌های فلسفی عمیقی درباره تناسب عذاب ابدی با عدل الهی مطرح می‌سازد. آیا عذاب نامحدود برای گناه محدود با عدالت سازگاری دارد؟ با استناد به نظریه شاکله وجودی علامه طباطبایی (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۲۱۲/۱۳)، خلود تنها زمانی توجیه‌پذیر است که نفس انسانی به دلیل کفر معاند به شاکله‌ای متناسب با عذاب ابدی تبدیل شود.

این پژوهش با تحلیل محتوای متون کلامی، خلود را در دو سطح بررسی می‌کند: خلود کفار و خلود مرتکبان گناهان کبیره.

۲-۲. کفار

کفر در لغت به معنای پوشاندن چیزی، انکار و جحد است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۴۱۷) در اصطلاح، کفر به معنای انکار یکی از اصول دین یا ضروریات آن از طریق سخن یا کردار تعریف می‌شود. (ابن عابدین، ۱۴۲۸ق: ۵۶۱، ۱؛ طوسی، ۱۴۰۵ق: ۴۰۵) هرگاه فردی با علم و آگاهی (کشمیری، ۱۴۲۴ق: ۸۸) یکی از ضروریات اسلام را انکار کند، به عنوان کافر شناخته می‌شود. به عنوان مثال، اگر شخصی به ضرورت توحید و رسالت علم داشته و یقین کند که اصولی از جانب حضرت رسول ﷺ بیان شده و جزئی از شریعت است، اما آن را انکار نماید یا عملی انجام دهد که نشان‌دهنده انکار ضروری دین باشد، عمل او کفر محسوب می‌شود و به او کافر گفته می‌شود. (بخاری قنوجی، ۱۹۲۲م: ۸۸/۱؛ یزدی طباطبائی، ۱۴۲۲ق: ۶۰/۱)

علمای اسلامی بر این باورند که کفار بدون توبه در عذاب دائمی خواهند بود. آنان جهنم را ذاتاً محل عذاب تلقی کرده و جدایی‌ناپذیری آن را از عذاب تأکید می‌کنند. (صدوق، ۱۴۱۴ق: ۲۲۲-۲۲۵؛ اشعری، ۱۴۰۰ق: ۱۴۹؛ فخر رازی، ۱۴۱۱ق: ۵۵۶؛ قریشی، ۱۴۱۷ق: ۳۱۳)

۳. مذاهب شیعه

مذاهب مختلف شیعه نظرات متفاوتی درباره سرنوشت ابدی کافران در جهنم دارند. در ادامه، به بررسی دیدگاه‌های هر یک از این شاخه‌ها در خصوص جاودانگی یا عدم جاودانگی کافران در عذاب اخروی پرداخته خواهد شد.

۱-۳. امامیه

متفکران برجسته امامیه، از جمله شیخ مفید (مفید، ۱۴۱۳ق: ۴۶)، سید مرتضی (سید مرتضی، ۱۴۱۱ق: ۲۵)، علامه مجلسی (مجلسی، ۱۴۰۴ق: الف: ۳۵۰/۸)، شیخ صدوق (صدوق، ۱۴۱۴ق: ۷۷)،

خواجه نصیرالدین طوسی (طوسی، ۱۴۰۵ق: ۳۰۴) و فیض کاشانی (کاشانی، ۱۳۷۵ش: ۳۲۴)، در زمینه خلود کفار در جهنم به توافق رسیده‌اند.

این دیدگاه بر دو اصل کلیدی استوار است: امتناع از تکلیف به ما لا یطاق و امکان شناخت حق برای حقیقت‌جویان، که کفر پایدار را ناشی از تقصیر انسان می‌داند. (مقدس اردبیلی، ۱۴۱۹ق: ۴۷۱) مبانی کلامی این نظر در امامیه شامل اصل عدل الهی و تعریف ایمان به عنوان تصدیق قلبی همراه با پذیرش ولایت است. بر اساس اجماع متکلمان امامیه، خلود مختص کسانی است که ضروریات دین، از جمله توحید و معاد، را انکار می‌کنند و این خلود با حکمت الهی نیز سازگار است. روایات امام صادق علیه السلام تأکید می‌کند که نیت پایدار کفار باعث سختی و جودی آنها با عذاب ابدی می‌شود، بدون اینکه مرتکب کبیره را شامل گردد؛ زیرا ایمان قلبی او محفوظ مانده و مشمول شفاعت خواهد بود. (مجلسی، ۱۴۰۴ق ب: ۱۸۹/۱۱) آیت الله سبحانی نیز با استناد به آیات، خلود را مختص منکران حقایق اساسی می‌داند. (سبحانی، ۱۴۲۵ق: ۳۶۲/۲)

دیدگاه امامیه درباره خلود کفار، بر مبنای امتناع از تکلیف به ما لا یطاق و امکان شناخت حق، کفر را انتخابی آگاهانه تلقی می‌کند که شاکله وجودی انسان را به عذاب ابدی مرتبط می‌سازد. (طوسی، ۱۴۰۵ق: ۴۰۰؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق ب: ۸۵/۷؛ طباطبایی، ۱۳۹۳ش: ۱۹۴/۱۳) اما آیا اطلاق کفر شامل جهل قصوری نیز می‌شود؟ مقایسه با اشاعره، که خلود را به کفر معاند محدود می‌کنند (فخر رازی، ۱۴۱۱ق: ۵۶۶)، نشان می‌دهد که عدم توجه به درجات کفر ممکن است با رحمت غالب الهی در تعارض باشد.

۲-۳. زیدیه

در منظومه اعتقادی زیدیه، آموزه خلود کفار جایگاهی محوری دارد. این اصل بر این فرض استوار است که کسانی که با تصلب بر کفر، بدون توبه، از دنیا می‌روند، به کیفر این عصیان، به طور ابدی در آتش دوزخ معذب خواهند بود. این باور به‌عنوان یکی از ضروریات این مذهب تلقی می‌شود. (ابن بدرالدین، بی‌تا: ۵۸؛ رصاص، ۱۴۲۴ق: ۵۵)

استدلال زیدیه چنین است: خداوند متعال می‌فرماید: «هر فردی که از دستورات خدا و رسولش سرپیچی کند، به آتش جاودان افکنده خواهد شد و عذابی خوارکننده، که با

شئون انسانی منافات دارد، برای او مهیا خواهد بود.» همچنین، در روایات منقول از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است که فرمودند: «كُلُّ أُمَّتِي يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ أَبَى». بدین معنا که هر کس از اوامر پیامبر نافرمانی کند، با این عمل، خود را از ورود به بهشت محروم ساخته است و از این فیض بزرگ بهره‌مند نخواهد شد. (همان: ۵۷)

دیدگاه زیدیه درباره خلود کفار و مرتکبان کبیره، بر اساس تعریفی از ایمان شکل گرفته که آن را ترکیبی از تصدیق قلبی و عمل می‌داند. این رویکرد، مفهوم خلود را به هر دو گروه تسری می‌دهد (همان) و به‌ویژه از تأثیرپذیری از معتزله و تأکید بر الزام وعد و وعید الهی نشأت می‌گیرد. (منصور بالله، ۱۴۲۲ق: ۵۵۸/۲) این مبنا نشان‌دهنده آن است که زیدیه با تأکید بر عمل‌گرایی، مرتکب کبیره را از دایره ایمان خارج دانسته و او را مستحق عذاب ابدی می‌شمارد. با این حال، این دیدگاه با آیات مغفرت و روایات شفاعت (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۸۵/۲) در تعارض قرار دارد، چرا که عذاب ابدی برای گناه محدود به ظلم عقلی به شمار می‌آید. مقایسه این نگرش با ماتریدیه، که ایمان را صرفاً تصدیق قلبی تلقی می‌کنند (ماتریدی، ۱۴۲۷ق: ۲۳۸)، و همچنین امامیه، که شفاعت را برای گناهکاران مؤمن ممکن می‌دانند (مجلسی، ۱۴۰۴ق الف: ۳۷۱/۸)، نشان می‌دهد که عمل‌گرایی زیدیه رحمت غالب الهی را محدود کرده و انعطاف الهی را نادیده می‌گیرد.

۳-۳. اسماعیلیه

اسماعیلیه، خلود را نتیجه انکار ولایت و اعمال فاجر محسوب می‌کنند. (حامدی، ۱۹۹۶م: ۳۰۹-۳۰۴) در روایتی نیز عذاب بزرگ به‌ویژه مختص کسانی دانسته شده که بر پروردگار خود کافر شده، بر اولیای خاص الهی تکبر ورزیده، پیامبران خدا را به قتل رسانده و اولیای او را مورد تحقیر قرار داده‌اند. افزون بر این، برخی عبارات تصریح می‌کنند که افرادی که معارف ارسالی خداوند از طریق پیامبران در وجودشان رسوخ نکند، مستحق خلود در آتش خواهند بود. (اخوان الصفا، بی‌تا: ۲۱۶) علاوه بر این، تأکید اسماعیلیه بر ولایت به عنوان شرط ایمان (ناصر خسرو، ۱۳۸۴ش: ۵۸)، ارتباط عمیقی میان انکار ولایت و خلود برقرار می‌کند و ایمان را به نظام تربیتی - وجودی تبدیل می‌سازد. این نگرش با آیه ولایت (مائده: ۵) و نظریه

شاکله وجودی (طباطبایی، ۱۳۷۱ش: ۲۱۲/۱۳) هم‌خوانی دارد؛ اما تمرکز بیش از حد بر ولایت ممکن است دیگر ابعاد ایمان را کم‌رنگ کند. مقایسه با امامیه، که ولایت را به عنوان شرط ایمان تلقی می‌کنند (مجلسی، ۱۴۰۴ق ب: ۱۸۹/۱۱)، نشان‌دهنده قابلیت تقریب این دو دیدگاه است. با این حال، اسماعیلیه نیاز دارند تا نقش تصدیق قلبی را نیز تبیین کنند تا انسجام الهیاتی خود را تقویت نمایند.

۴. مذاهب اهل سنت

فرقه‌های مختلف اهل سنت در زمینه سرنوشت نهایی کافران در آخرت دیدگاه‌های متنوعی دارند. در ادامه، نظرات گوناگون این فرقه‌ها درباره جاودانگی یا موقتی بودن عذاب کافران در جهنم مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴-۱. اهل حدیث

در بررسی آراء اهل حدیث در خصوص خلود، مشاهده می‌شود که این گروه بر تناسب عذاب با میزان گناه تأکید دارند و خلود در عذاب را منحصر به کافران و منکران توحید می‌دانند. بر بهاری در این زمینه تصریح می‌کند که خداوند هر فردی را به اندازه گناهانش مجازات خواهد کرد. (بر بهاری، بی تا: ۷۹) این دیدگاه بر اصل عدل الهی و تناسب میان عمل و جزا تأکید دارد.

ابن ابی‌العز حنفی، یکی از چهره‌های برجسته این مکتب، هشت قول را در تبیین مسئله دوام و ابدیت عذاب اهل جهنم مطرح می‌سازد و در نهایت، قول هشتم را برمی‌گزیند. او آن را به این صورت بیان می‌کند: «و یبقی فیها الکفار، بقاء لا انقضاء له، کما قال الشیخ رحمۃ اللہ». (حنفی، ۲۰۰۵م: ۱۲۷) این عبارت، با استناد به ابوجعفر طحاوی، بر خلود صرفاً کافران در آتش جهنم تأکید می‌کند. پس از این بیان، ابن ابی‌العز به ذکر ادله‌ای برای این قول پرداخته و سایر اقوال موجود در این زمینه را مورد نقد قرار می‌دهد. (همان) علاوه بر ابن ابی‌العز، دیگر علمای اهل حدیث نیز به این باور تأکید کرده‌اند. سفارینی (۱۹۸۲م: ۲۱۹/۲ - ۲۳)، آجری (بی تا: ۲۱۴)، مؤلف کتاب «کوثر المعانی» (الشنقیطی، ۱۹۹۵م: ۴۶۰/۳) و سایر

علمای این مکتب، کافران را به عنوان تنها مصادیق مخلدین در عذاب معرفی نموده و بر دوام و عدم انقطاع عذاب جهنم برای آنان تصریح کرده‌اند.

دیدگاه اهل حدیث در خصوص خلود کفار، ریشه در مبانی کلامی نص‌محور دارد. این گروه تعریف ایمان را بر اساس نصوص و اجماع سلف شکل می‌دهد و خلود را به‌ویژه مختص کافران و منکران توحید می‌داند. روایات پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مانند «کفار مخلدون فی النار» به وضوح به این موضوع اشاره کرده و عذاب را متناسب با گناه، محدود به کفر پایدار می‌کند، بدون اینکه مرتکب کبیره را شامل شود؛ زیرا ایمان شرط نجات ابدی به شمار می‌آید. این دیدگاه به دلیل همخوانی با ظاهر آیات (مانند مائده: ۳۶) و احادیث معتبر، صحیح تلقی می‌شود و وابستگی به نقل، از تحمیل عقلی جلوگیری می‌کند. با این حال، ممکن است تحلیل عقلی را تحت‌الشعاع قرار دهد؛ هرچند که این رویکرد با اصل تناسب جرم و مجازات سازگار بوده و از ظلم الهی می‌ماند. فقدان تحلیل منطقی ممکن است توانایی پاسخگویی به پرسش‌های مدرن در زمینه عدالت الهی را کاهش دهد.

اهل حدیث بر اساس نص‌محوری و استناد به آیات قرآنی (مانند مائده: ۳۶) و روایات نبوی، خلود را صرفاً به کافران و منکران توحید اختصاص می‌دهد. (بربهراری، بی‌تا: ۷۹) این رویکرد با تأکید بر تناسب جرم و مجازات، عذاب ابدی را به نتیجه کفر پایدار مرتبط می‌سازد و مرتکب کبیره را به دلیل حفظ ایمان از این خلود مستثنا می‌کند. این مبنا نشان‌دهنده انسجام نص‌محوری اهل حدیث با ظاهر نصوص و اجماع سلف است و از تحمیل عقلی جلوگیری می‌کند. با این وجود، وابستگی صرف به نقل، تحلیل عقلانی خلود را تضعیف می‌نماید. برای مثال، آیا عذاب ابدی برای کفر ناشی از جهل قصوری با عدالت الهی سازگار است؟ مقایسه با اشاعره، که خلود را به کفر معاند محدود می‌کنند (فخر رازی، ۱۴۱۱ق: ۵۶۶)، نشان می‌دهد که فقدان تحلیل عقلانی در دیدگاه اهل حدیث ممکن است توانایی پاسخگویی به پرسش‌های مدرن درباره تناسب جرم و مجازات را کاهش دهد.

۲-۴. اشاعره

در میان متکلمان اشعری، دیدگاه غالب بر انحصار خلود در عذاب به کافران استوار است. این اصل به وضوح در آثار برجسته‌ترین شخصیت‌های این مکتب کلامی مورد تأکید قرار

گرفته است. تفتازانی، با استناد به اجماع علمای مسلمان، بر این نکته تأکید می‌کند که کفار به طور ابدی در جهنم مخلد خواهند بود. (تفتازانی، ۱۴۰۹ق: ۱۳۴/۵) هم‌چنین، میرسید شریف جرجانی به نقل از ایجی آورده است: «أجمع المسلمون على أنّ الكفار مخلدون في النار أبداً، لا ينقطع عذابهم». (جرجانی، ۱۳۲۵ش: ۳۰۷/۸) این عبارت به صراحت بر اجماع مسلمانان در خصوص خلود ابدی کفار در آتش و عدم انقطاع عذاب آنان تأکید دارد.

علاوه بر این دو چهره‌ی برجسته، متکلمان دیگری نظیر سیف الدین آمدی (آمدی، ۱۴۲۳ق: ۳۵۵/۴) و عبدالقاهر بغدادی (بغدادی، ۲۰۰۳م: ۱۹۰) نیز به مسئله‌ی خلود عذاب پرداخته و جاودانگی در عذاب جهنم را به‌طور خاص به کفار اختصاص داده‌اند. این تأکیدات در آثار متکلمان اشعری، نشان‌دهنده‌ی جایگاه رفیع این اصل در نظام فکری این مکتب است. هم‌چنین، این عبارات بر تمایز بنیادین میان سرنوشت اخروی مؤمنان و کافران تأکید می‌ورزند و روشن می‌سازند که عذاب ابدی، مختص به کفار است.

در میان اندیشمندان اشعری، دیدگاه فخر رازی در این زمینه با اندکی تفاوت مطرح شده است. او در موضعی می‌نویسد: «أجمعوا على أنّ وعيد الكافر المعاند دائم». (فخر رازی، ۱۴۱۱ق: ۵۶۶) این عبارت به روشنی اجماع مسلمانان را بر دوام وعید عذاب برای «کافر معاند» بیان می‌کند. تعبیر «کافر معاند» ممکن است به فردی اشاره کند که علاوه بر کفر، خصومت و دشمنی با حق را نیز در خود دارد. با این حال، در موضعی دیگر، فخر رازی به‌طور کلی، کفار را جاودان در آتش معرفی می‌کند. (همو، ۱۴۲۰ق: ۲۹۵/۲۳)

در میان متفکران معاصر اشعری، شیخ محمود شلتوت، از اساتید برجسته الازهر مصر، دیدگاهی متفاوت را ارائه می‌دهد. او معتقد است که در قرآن نص قطعی بر دوام عذاب کفار وجود ندارد، بلکه تنها در مورد بقای دائمی کفار در جهنم آیات وارد شده است. از این بقای دائمی نمی‌توان به‌طور قطعی نتیجه گرفت که عذاب، سرمدی خواهد بود. (شلتوت، ۱۴۲۱ق: ۴۳) این دیدگاه شلتوت، نمایانگر تنوع نظرات در میان اندیشمندان اسلامی و ضرورت بررسی دقیق متون دینی است.

مبانی کلامی اشاعره در مسئله خلود، بر تعریف ایمان به‌عنوان تصدیق قلبی استوار است. بدین ترتیب، آن‌ها خلود را مختص کفار معاند می‌دانند؛ زیرا از عقل و نقل

بهره‌گیری کرده و عذاب ابدی را با عدل الهی توجیه می‌کنند، بدون اینکه مرتکب کبیره را از دایره ایمان خارج سازند. این دیدگاه با رحمت الهی نیز هم‌خوانی دارد و تعادل عقل و نقل آن، مانع از افراط در عمل‌گرایی و ظاهر‌گرایی می‌شود. این امر موجب حفظ حکمت خداوند شده و قبح عذاب ابدی برای گناه محدود را موجه می‌سازد. در مقابل، دیدگاه شیخ محمود شلتوت با آیاتی مانند «بقره: ۱۶۷» که به دوام کفار در آتش و تلازم عذاب با جهنم اشاره دارد، تعارض ظاهری پیدا می‌کند.

۳-۴. ماتریدیه

در بررسی تطبیقی آموزه‌های کلامی، مشاهده می‌شود که ماتریدیه، مشابه با آموزه‌های شیعه، خلود در عذاب را به کفار اختصاص می‌دهند. ابومنصور ماتریدی، بنیان‌گذار این مکتب کلامی، در این راستا چنین بیان می‌دارد: «أن الوعيد مما لم يشرك فيه المؤمنین، بل هو فی کل ذنب أخرج صاحبه عن الإیمان و أسقط عنه اسمه». (ماتریدی، ۱۴۲۷ق: ۲۳۸) این عبارت حاکی از آن است که وعید به دوام عذاب در جهنم شامل مؤمنین نمی‌شود؛ بلکه این تهدید، مختص به گناهانی است که فرد مرتکب آن، از دایره ایمان خارج شده و وصف مؤمن از او سلب گردد. ماتریدی، ایمان را معادل تصدیق قلبی می‌داند و بر این باور است که ارتکاب گناه کبیره موجب خروج شخص از زمره مؤمنین نمی‌گردد. مادامی که وصف مؤمن بر کسی اطلاق شود، وعید به دوام عذاب شامل حال او نخواهد بود. (همان، ۲۴۱)

دیدگاه ماتریدیه در خصوص خلود، ریشه در مبانی کلامی عقل‌گرا دارد. این مکتب، تعریف ایمان را به‌عنوان تصدیق قلبی مستقل از عمل مطرح کرده و خلود را مختص افرادی می‌داند که از دایره ایمان خارج شوند. به‌علاوه، وعید به عذاب را مشروط به سلب ایمان می‌شمارد و این امر با عدل الهی هم‌خوانی دارد. این دیدگاه همچنین با اصل رحمت سازگار است و مانع از تعارض عقلی (عذاب ابدی برای عمل محدود) می‌شود، در نتیجه حکمت الهی را تقویت می‌کند. هرچند ممکن است تأکید بر عمل را کم‌رنگ جلوه دهد، اما روایاتی که ایمان را تصدیق می‌دانند، این نظر را تأیید می‌نمایند.

۵. دلایل موافقان و مخالفان خلود عذاب کفار

هر کدام از طیف‌های معتقدین و منکرین خلود کفار در عذاب جهنم برای اثبات مدعای خود به ادله‌ای استناد جسته اند. در ادامه به تبیین این دلایل پرداخته می‌شود.

ادله‌ قائلین به جاودانگی کفار در عذاب جهنم، بر پایه سه رکن اساسی شامل آیات، روایات و اجماع استوار است. در ذیل، به تفصیل به این ادله پرداخته می‌شود.

خداوند متعال در آیه ۳۶ سوره مائده می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ أَنَّ لَهُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَيَفْتَدُوا بِهِ مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَا تُقْبَلُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ». این آیه به وضوح بیان می‌کند که اگر کافران تمام آنچه در زمین است و همانند آن را برای رهایی از عذاب قیامت ارائه دهند، از آنان پذیرفته نخواهد شد و عذابی دردناک در انتظارشان است. شیخ مفید، از متکلمین امامیه، این آیه را دلیلی بر خلود کفار در آتش جهنم می‌داند و آن را مختص کافران و نه موحدان تلقی می‌کند. (مفید، ۱۴۱۳ق: ۱۱۸) همچنین، آیات ۶۴ و ۶۵ سوره احزاب نیز خلود ابدی کفار در جهنم را تأیید می‌کند. (ابن عبدالعزیز، بی‌تا: ۴۳۳)

علامه طباطبایی برای اثبات مدعای خود مبنی بر خلود کفار به روایتی از امام صادق علیه السلام استناد می‌کند که در آن حضرت می‌فرماید: «أهل جهنم مخلد در آتش دوزخ هستند؛ زیرا نیت‌های آنان چنین بوده که اگر همیشه زنده می‌ماندند، پیوسته نافرمانی خداوند را انجام می‌دادند». (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۸۵/۲؛ طباطبایی، ۱۳۷۱ش: ۲۱۲/۱۳) این روایت فلسفه خلود کفار را بر اساس نیت آنان تبیین می‌کند و بیانگر این است که نیت کافران سبب شکل‌گیری شاکله وجودی آنان به گونه‌ای شده است که با عذاب ابدی هم‌خوانی دارد.

آلبانی، عالم حدیث، به روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اشاره می‌کند که در آن حضرت می‌فرماید: «خداوند اراده نخواهد کرد که کفار را از جهنم خارج کند». (آلبانی، ۱۴۳۱ق: ۴۹۳/۹) این روایت به‌عنوان دلیلی صریح در مورد جاودانگی کفار در عذاب جهنم مطرح شده است. (همان)

عمده‌ترین دلیل معتقدان به خلود کفار در عذاب جهنم، ادعای اجماع است. شخصیت‌هایی چون شیخ مفید (مفید، ۱۴۱۳ق: ۴۷)، سید مرتضی (سید مرتضی، ۱۴۱۱ق: ۵۲۳)، تفتازانی (تفتازانی، ۱۴۰۹ق: ۱۳۱/۵)، فخر رازی (فخر رازی، ۱۴۱۱ق: ۵۶۶)، آلبانی (آلبانی،

۱۴۳۱ق: ۴۷۰/۹)، ماتریدی (ماتریدی، بی‌تا: ۳۳۲/۱) و قاضی علامه حابس (حابس، ۱۴۲۰ق: ۲۵۹/۱) و دیگر علمای مذاهب اسلامی بر این نکته تأکید کرده‌اند که کفار و مشرکان در عذاب جهنم جاودانه خواهند بود. در مقابل، اسماعیلیه خلود را دوری از حقیقت و محرومیت از فیض الهی می‌دانند و بر رحمت گسترده الهی تأکید می‌کنند که رویکردی متفاوت از کلام سنتی اهل سنت و شیعه دوازده امامی است. هم‌چنین برخی نیز بر این باورند که هرچند کفار در جهنم مخلد هستند، اما عذاب آنان لزوماً همیشگی نیست و وابسته به وجود آتش جهنم است که ممکن است دوام نداشته باشد. این گروه اعتقاد دارند که حتی برای کفاری که از روی جهل قصوری کفر را پذیرفته‌اند و هم‌چنین کفاری که معاند بوده و بدون توبه از دنیا رفته‌اند، جاودانگی در عذاب جهنم وجود ندارد. (ابن قیم، بی‌تا: ۲۵۷)

منکرین خلود برای اثبات دیدگاه خود به استدلال‌هایی متوسل شده‌اند که در دو دسته زیر قابل تفکیک است: نخست، این گروه بر اساس فطرت توحیدی انسان تأکید می‌کنند و کفر را امری عارضی تلقی می‌نمایند که در نهایت از بین خواهد رفت. (ابن قیم، بی‌تا: ۲۵۷) دوم، با استناد به اسماء و صفات الهی، به‌ویژه صفت رحمت، بر این باورند که عذاب ابدی با رحمت بی‌کران خداوند تناقض دارد. (همان) این دو استدلال عمدتاً بر جنبه‌های انسان‌شناختی و ویژگی‌های الهی متمرکز شده‌اند.

دلیل سوم برای نفی ابدی بودن عذاب، عدم لزوم وفای به وعیدهای الهی است. این استدلال با تکیه بر قدرت و اختیار مطلق خداوند، بیان می‌کند که وعیدهای الهی، از جمله تهدید به عذاب ابدی، الزامی برای اجرا ندارند و خداوند می‌تواند از آن‌ها صرف‌نظر کند. (همان: ۲۶۹) چهارم، این گروه دوام عذاب را وابسته به تداوم آتش جهنم می‌دانند و با توجه به عدم وجود دلایل قطعی در خصوص همیشگی بودن آتش، نتیجه‌گیری می‌کنند که عذاب نیز ابدی نخواهد بود. (همو، ۱۴۱۸ق: ۳۶۴) این استدلال به جنبه مادی عذاب و ارتباط آن با وجود آتش اشاره دارد. پنجم، برخی بر این باورند که در قرآن هیچ نص صریحی بر دوام عذاب کفار وجود ندارد و آیاتی که به خلود اشاره دارند، تنها به بقای دائمی آنان در جهنم اشاره می‌کنند. (شلوت، ۱۴۲۱ق: ۴۳)

در مقابل این ادله، قائلین به خلود پاسخ‌هایی ارائه داده‌اند که به طور خلاصه به آن‌ها اشاره می‌شود: در واکنش به استناد به فطرت توحیدی، گفته می‌شود که کفر و شرک با رسوخ در نفس، فطرت اولیه را تغییر داده و به نوعی «فطرت ثانوی» مبتنی بر شقاوت تبدیل می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۷۱ش: ۴۰۸/۱؛ خمینی، ۱۳۹۰ش: ۳۸۸) در پاسخ به استدلال مربوط به سبقت رحمت، بیان می‌شود که رحمت الهی مفهومی جامع است و عذاب ابدی نیز می‌تواند جلوه‌ای از رحمت الهی باشد که به منظور جلوگیری از فساد بیشتر و تحقق عدالت صورت می‌گیرد. (طباطبایی، ۱۳۷۱ش: ۴۰۸/۱)

در پاسخ به نفی لزوم وفا به وعید، بیان می‌شود که خلف وعید با عصمت الهی و صدق گفتار او تناقض دارد. (منصور بالله، ۱۴۲۲ق: ۵۵۸/۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۷ش: ۴۱۲/۶) هم‌چنین، در واکنش به مشروط دانستن عذاب به دوام آتش، تصریح می‌شود که منظور از آتش در این نصوص تنها آتش مادی نیست؛ بلکه حالتی از عذاب روحی و معنوی نیز می‌تواند در نظر گرفته شود. در پاسخ به تفسیر محدود از نصوص، به آیاتی مانند «وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ» (بقره: ۱۶۷) استناد می‌شود که به روشنی بر عدم خروج کفار از آتش دلالت دارند. (طباطبایی، ۱۳۷۱ش: ۴۰۸/۱)

۶. مرتکب کبیره

در خصوص سرنوشت مسلمانان مرتکب گناه کبیره، میان مذاهب اسلامی اختلاف نظرهایی وجود دارد. اکثر مذاهب بر این باورند که این دسته از مسلمانان در عذاب ابدی نخواهند ماند، اما دیدگاه‌های متفاوتی در این زمینه مطرح شده است. هر یک از طرفداران و مخالفان نظریه خلود مرتکب کبیره، برای حمایت از موضع خود، به ادله عقلی و نقلی متنوعی استناد کرده‌اند که در ادامه به بررسی این ادله پرداخته می‌شود.

۱-۶. مدافعان عدم خلود

معتقدان به عدم خلود مرتکب کبیره، در رد ادله قائلین به خلود، برای اثبات دیدگاه خود به دلایل عقلی و نقلی استناد می‌کنند. در مقابل، مذهب زیدیه بر این باور است که مرتکبین

گناه کبیره، در عذاب جاودانه خواهند بود. در اینجا، به نقد و بررسی هر دو دیدگاه خواهیم پرداخت.

ادله عقلی مطرح شده در خصوص عدم جاودانگی مسلمان مرتکب کبیره در عذاب اخروی، بر مبانی کلامی و اصول منطقی استوار است. برخی از این ادله بر محوریت ایمان و استحقاق ثواب مؤمنان شکل گرفته‌اند. استدلال می‌شود که ایمان بزرگ‌ترین خیر برای انسان محسوب می‌شود و مؤمن به موجب وعده الهی، مستحق دریافت پاداش است. اگر فرد مؤمنی با ارتکاب گناه کبیره، مستحق عذاب ابدی شود، این امر با وعده ثواب و ورود به بهشت در تناقض خواهد بود. اجماع علمای اسلام بر این است که فرض خروج از بهشت پس از ورود، باطل است. بنابراین، اگر چنین فردی مشمول عفو الهی قرار نگیرد، ابتدا دچار عذاب خواهد شد و سپس به مقام ثواب دست خواهد یافت. (حلی، ۱۴۱۳ق: ۴۱۵؛ فاضل مقداد، ۱۴۲۰ق: ۱۸۹؛ تفتازانی، ۱۴۰۹ق: ۱۳۲/۵؛ جرجانی، ۱۳۲۵ش: ۳۰۹/۸)

دسته دیگری از ادله عقلی، بر اصل عدل الهی و تناسب بین جرم و مجازات تأکید می‌کند. به عنوان مثال، فرض کنید فردی سال‌ها به عبادت خداوند پرداخته و از ایمان و عمل صالح خود محافظت کرده است، اما یک بار مرتکب گناه کبیره‌ای همچون نوشیدن شراب شده است. عقل حکم می‌کند که اگر چنین فردی به طرز جاودانه در جهنم معذب شود، این امر مصداق ظلم خواهد بود؛ زیرا مجازات او با مجازات کسی که تمام عمر خود را در گناه سپری کرده، برابر است. در حالی که، خداوند از ظلم و فعل قبیح منزه است. (تفتازانی، ۱۴۰۹ق: ۱۳۲/۵) افزون بر این، استدلال می‌شود که معصیت از نظر زمان و اندازه محدود است، بنابراین عذاب آن نیز باید متناهی باشد. گناه کبیره، برخلاف کفر، محدود به زمان و عمل مشخصی است و بر این اساس، عذاب آن نمی‌تواند بی‌نهایت باشد. (همان؛ حلی، ۱۴۱۳ق: ۴۱۵) تکیه این استدلال‌ها بر اصل تناسب بین جرم و مجازات و محدودیت زمانی گناه استوار است. دیگر این که دلیل قطعی بر عذاب ابدی مرتکب کبیره وجود ندارد و از سوی دیگر، عفو و بخشش او از نظر عقل امر پسندیده‌ای است و به تأیید ادله نقلی نیز می‌رسد. (شریف مرتضی، ۱۴۱۱ق: ۵۰۵) هم‌چنین، شفاعت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که مورد قبول همه مسلمانان است، می‌تواند شامل مرتکبین کبیره باشد و موجب تخفیف یا رفع عذاب آنان

گردد. (همان) در پایان، به صفات الهی مانند «غفور» و «رحیم» اشاره می‌شود. اگر گناه کبیره بخشیده نشود، این صفات بی‌معنا خواهند بود، در حالی که خداوند از هر گونه گفتار و کردار عبث منزّه است. (حلی، ۱۳۶۳ش: ۱۷۵) این دسته از ادله بر رحمت و مغفرت الهی و امکان شفاعت تأکید دارند.

علاوه بر ادله عقلی، شواهد نقلی نیز وجود دارد که بر ورود تمامی مؤمنان به بهشت یا خروج آنان از عذاب دلالت دارند. این استنادات شامل آیات و روایات متعددی است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

یکی از دسته‌های ادله نقلی، آیاتی از قرآن کریم است که به رحمت و مغفرت الهی و وعده ورود به بهشت برای مؤمنان اشاره دارند. به عنوان مثال، آیه «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ» (زلزله: ۷) بیان می‌کند که هر کس به اندازه ذره‌ای نیکی کند، آن را خواهد دید. این آیه نشان می‌دهد که اعمال نیک مؤمنان، هر چند اندک، بی‌اجر نخواهد ماند و با خلود در عذاب سازگار نیست. (بحرانی، ۱۴۰۶ق: ۱۶۱) هم‌چنین، آیه «وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَقَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ» (نساء: ۱۲۴) تصریح می‌کند که هر کس از مردان و زنان، عمل صالح انجام دهد و مؤمن باشد، وارد بهشت خواهد شد. (تفتازانی، ۱۴۰۹ق: ۱۳۶/۵) آیه «إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ لِلنَّاسِ عَلَى ظُلْمِهِمْ وَإِنَّ رَبَّكَ لَشَدِيدُ الْعِقَابِ» (رعد: ۶) نیز بر جواز مغفرت گناهکاران از اهل قبله دلالت دارد؛ زیرا خداوند با وجود ظلم آنان، وعده بخشش داده است. (بحرانی، ۱۴۰۶ق: ۱۶۴)

علاوه بر این، آیه «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ» (نساء: ۴۸ و ۱۱۶) به صراحت بیان می‌کند که خداوند شرک را نمی‌بخشد، اما گناهان پایین‌تر از آن را برای هر کس که بخواهد، می‌بخشد. از آنجا که شرک با توبه نیز بخشیده می‌شود، این آیه دلالت بر امکان بخشش گناهان کبیره بدون توبه نیز دارد؛ زیرا در غیر این صورت، تفاوتی بین گناه قابل بخشش و غیرقابل بخشش وجود نخواهد داشت. (جرجانی، ۱۳۲۵ش: ۳۱۲/۸؛ بحرانی، ۱۴۰۶ق: ۱۶۱؛ بزدوی، ۱۴۲۶ق: ۱۳۷؛ سفارینی، ۱۹۸۲م: ۳۸۲/۱) هم‌چنین، در آیاتی مانند «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى» (نساء: ۴۳)، خداوند مرتکبین گناه کبیره (مانند مستی) را با عنوان «مؤمن» خطاب قرار داده است. این موضوع نشان می‌دهد که ارتکاب گناه کبیره،

ایمان را به کلی از بین نمی‌برد و چنین فردی همچنان مؤمن محسوب می‌شود و در نتیجه، مستحق خلود در عذاب نخواهد بود. (ماتریدی حنفی، ۱۹۹۵: ۱۲۳) در کنار آیات، روایات متعددی نیز بر عدم خلود مرتکب کبیره دلالت دارند. حدیث «مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ دَخَلَ الْجَنَّةَ» (هر کس لا اله الا الله بگوید، وارد بهشت می‌شود) (مجلسی، ۱۴۰۴: الف: ۳۷۱/۸؛ رازی، ۱۴۲۰: ۳۵۱/۱۱؛ ابن ابی العزّ حنفی، ۲۰۰۵: ۴۳۰؛ بزوی، ۱۴۲۴: ۱۳۶) به طور کلی بر ورود موحدین به بهشت تأکید دارد. همچنین، حدیث «ادَّخَرْتُ شَفَاعَتِي لِأَهْلِ الْكِبَائِرِ مِنْ أُمَّتِي» (شفاعتم را برای مرتکبین گناهان کبیره از امتم ذخیره کرده‌ام) (آمدی، ۱۴۲۳: ۳۶۵؛ طوسی، ۱۴۰۶: ۲۰۸؛ تفتازانی، ۱۴۰۷: ۷۶) به صراحت بیان می‌کند که شفاعت پیامبر ﷺ شامل حال مرتکبین کبیره نیز خواهد شد و این امر دلیلی بر امکان عفو و مغفرت آنان است.

۲-۶. زیدیه و خلود مرتکب گناه کبیره

زیدیه بر خلود مسلمان مرتکب کبیره در دوزخ تأکید دارد. (ابن بدر الدین، بی تا: ۵۸؛ رصاص، ۱۴۲۴: ۵۸) این دیدگاه، ناشی از تأثیرپذیری زیدیه از معتزله، به‌ویژه در مسئله «وعد و وعید» است که بر لزوم تحقق وعده‌ها و وعیدهای الهی تأکید می‌کند. (طوسی، ۱۴۰۵: ۴۰۰؛ شهرستانی، ۱۳۶۴: ۱۸۸/۱) زیدیه بر این باورند که مرتکب کبیره، بدون توبه، در مرتبه‌ای میان ایمان و کفر قرار دارد و به طور ابدی در جهنم باقی خواهد ماند. (حابس، بی تا: ۲۲۶؛ احمد بن سلیمان، ۱۴۲۴: ۲۲۳)

برای اثبات خلود مرتکب کبیره در دوزخ، زیدیه به ادله عقلی و نقلی استناد می‌کنند. (ابن بدر الدین، ۱۴۱۵: ۵۷) ابتدا، آیه ۲۳ سوره جن را دالّ بر خلود نافرمانان می‌دانند و تأکید می‌کنند که خلف وعید، قبیح و محال است. (احمد بن سلیمان، ۱۴۲۴: ۲۲۳؛ منصور بالله، ۱۴۲۲: ۵۵۸/۲) مخالفان، این خلود را مختص کفار دانسته و تحقق وعید را نه الزامی، بلکه مشروط به مصالح الهی می‌انگارند. (جرجانی، ۱۳۲۵: ۳۰۷/۸) دوم، زیدیه بر این باورند که امکان عفو، تشویق به گناه را در پی خواهد داشت (قاسم بن محمد، ۱۴۲۱: ۱۸۲)، در حالی که مخالفان، این امکان را مستلزم عفو قطعی نمی‌دانند. (فاضل مقداد، ۱۴۰۵: ۴۲۹) سوم، آنان اشتراک مرتکب کبیره با کافر در عصیان را مبنای خلود می‌شمارند (ابن بدرالدین،

۱۴۱۵ق: ۵۷)، اما مخالفان بر امکان عفو الهی و تفاوت میان عصیان و کفر تأکید دارند. (حلی، ۱۴۱۳ق: ۴۱۵) چهارم، زیدیه آیه ۹۳ سوره نساء را بر خلود قاتل مؤمن حمل می‌کنند (یحیی بن قاسم، ۱۴۲۱ق: ۱۷۱)، در حالی که منتقدان این وعید را ناظر بر کفاری می‌دانند که به دلیل ایمان، مؤمنان را می‌کشند. (حلی، ۱۳۶۳ش: ۱۷۵)

هم‌چنین، گفته شده است که آیات مورد ادعای زیدیه با دیگر آیات که بر ورود مؤمنان به بهشت دلالت دارند، در تضاد قرار دارند؛ از این رو، باید این آیات تأویل شوند و اختصاص به کفار یابند. (حلی، ۱۴۱۳ق: ۴۱۳؛ مفید، ۱۴۱۳ق: ۴۹؛ تفتازانی، ۱۴۰۷ق: ۷۶؛ جوینی، ۱۴۱۶ق: ۱۵۵؛ سفارینی، ۱۹۸۲م: ۲۱۹/۲) به طور کلی، استدلال زیدیه بر مسئله خلود، بر پایه تفسیر خاص آنان از عدالت الهی و لزوم تحقق وعیدهای الهی استوار است. در مقابل، مخالفان بر امکان عفو الهی تأکید کرده و به صفات رحمت و مغفرت خداوند و نیز آیاتی که بر نجات مؤمنان تأکید دارند، استناد می‌کنند.

محتوای متون نشان می‌دهد که اجماع بر خلود کفار، ناشی از تأکید مشترک بر عدل الهی و تناسب جرم و مجازات است. اختلاف نظر در خصوص مرتکب کبیره به تعریف ایمان برمی‌گردد: مذاهبی که عمل را جزئی از ایمان نمی‌دانند (مانند امامیه، اشاعره و ماتریدیه)، عذاب محدود را ترجیح می‌دهند. در حالی که زیدیه بر عمل‌گرایی تأکید دارند. دیدگاه اسماعیلیه، با تأکید بر ولایت، پلی میان این دو رویکرد ایجاد می‌کند. این همگرایی، امکان گفت‌وگوی بین‌مذهبی و تقریب دیدگاه‌ها را تقویت می‌نماید.

نتیجه‌گیری

۱. تمامی مذاهب اسلامی بر خلود کفار بدون توبه اجماع دارند؛ تنها برخی، از جمله فخر رازی، این حکم را به «کفار معاند» محدود می‌کنند.
۲. در مورد مرتکب کبیره، دیدگاه مشهور (امامیه، اشاعره، ماتریدیه و اهل حدیث) بر عدم خلود تأکید دارد؛ در مقابل، زیدیه که تحت تأثیر معتزله قرار گرفته‌اند، بر خلود او تأکید می‌ورزند.
۳. اسماعیلیه ارتباط خلود را با انکار ولایت پیوند می‌زنند و در این زمینه به امامیه نزدیک‌تر هستند.

۴. اختلاف اصلی به تعریف ایمان بازمی‌گردد. مذاهبی که عمل را جزء ایمان نمی‌دانند، پذیرای عذاب موقت‌اند؛ در حالی که زیدیه با تأکید بر عمل‌گرایی، خلود را به مرتکبین کبائر نیز تسری می‌دهند.

مذهب اصلی	زیر مجموعه	دیدگاه درباره خلود کفار	دیدگاه درباره مرتکب کبیره	استدلال اصلی
شیعه	امامیه	خلود ابدی برای کفار بدون توبه	مؤمن فاسق با عذاب موقت	تفکیک بین کفر و فسق؛ امکان شفاعت برای مؤمنان
-	زیدیه	خلود ابدی برای کفار	خلود ابدی برای مرتکب کبیره	ضرورت عدم تخلف از وعید الهی؛ عدم تفکیک بین کفر و گناه کبیره
-	اسماعیلیه	خلود ابدی برای منکران ولایت اهل بیت <small>علیهم‌السلام</small>	مؤمن گناهکار با امکان نجات از طریق تأویل احکام	اهمیت پذیرش ولایت در نجات؛ تأکید بر تأویل باطنی احکام
اهل سنت	اهل حدیث	خلود ابدی برای کفار	مومن ضعیف الایمان با احتمال عذاب موقت	تأکید بر ظاهر نصوص؛ ایمان قابل کم یا زیاد شدن
-	اشاعره	خلود ابدی برای کفار	مؤمن با احتمال عذاب موقت	اجماع بر خلود کفار؛ امکان عفو الهی برای مؤمنان
-	ماتریدیه	خلود ابدی برای کفار	مؤمن با عذاب متناسب با گناه	خروج از دایره ایمان معیار خلود؛ تناسب مجازات با گناه برای مؤمنان
مخالفین خلود کفار	-	عدم خلود ابدی کفار در عذاب	-	۱. فطرت توحیدی انسان ۲. ناسازگاری با عدل و رحمت الهی ۳. هدف تربیتی مجازات
پاسخ موافقان خلود	-	تأیید خلود ابدی کفار	-	۱. صراحت آیات و روایات ۲. ناسازگاری درونی استدلال مخالفان ۳. تفکیک بین انواع کفار ۴. تغییر ماهیت عذاب

۵. دلیل اصلی قائلان به خلود کفار، اجماع است؛ هر دو طرف در مورد مرتکب کبیره از دلایل عقلی و نقلی بهره‌مند شده‌اند.
۶. تحقیق حاضر صرفاً بر منابع کتابخانه‌ای متکی است و دیدگاه‌های فرعی تمامی مذاهب را پوشش نداده است.
۷. نتایج این پژوهش می‌تواند مبنای گفت‌وگوی بین‌مذهبی، مقابله با تکفیر و تبیین عادلانه‌تر رابطه عدل و رحمت الهی در زمان حاضر باشد.
۸. با وجود اختلافات، تمامی مذاهب خلود کفار را پذیرفته و اکثریت نجات مؤمنان گناهکار را ممکن می‌دانند. این محور مشترک، ظرفیت مهمی برای تقریب و وحدت اسلامی فراهم می‌سازد.



منابع

کتابها

- قرآن کریم

۱. ابن بدرالدین، حسین، (۱۴۱۵ق)، العقد الثمین فی معرفة رب العالمین، صعده: مكتبة التراث الاسلامی.
۲. ابن فارس، احمد، (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغة، تصحیح: عبدالسلام محمد هارون، قم: مكتب الاعلام الاسلامی.
۳. ابن عابدین، محمد امین بن عمر، (۱۴۲۸ق)، تنبیه الولاة والحكام على احكام شاتم خیز الانام او احد اصحابه الكرام، بی جا: دار الآثار، اول.
۴. ابن قیم، محمد بن ابی بکر، (بی تا)، حادی الارواح الى بلاد الافراح، تحقیق: زائد بن احمد نشیری، ریاض: موسسه سلیمان بن عبدالعزیز، دار العام الفوائد.
۵. ———، (۱۴۱۸ق)، مختصر الصواعق المرسله على الجهمیه المعطله، شرح و تعلیقه: رضوان جامع رضوان، بی جا: بی نا.
۶. ابن سلیمان، احمد، (۱۴۲۴ق)، حقائق المعرفة فی علم الکلام، تصحیح: حسن بن یحیی، صنعاء: موسسه امام زید بن علی.
۷. اخوان الصفا، (بی تا)، رساله جامعه الجامعه، تحقیق عارف تامر، بیروت: منشورات دار مكتبة الحياة، دوم.
۸. امام منصور بالله، (۱۴۲۲ق)، مجموعه رسائل امام منصور بالله، تحقیق عبدالله وجیه، صنعاء: مؤسسه امام زید بن علی.
۹. آجری، ابوبکر محمد بن حسین، (بی تا)، مختصر الشریعه، قاهره: دار الآثار و النشر و التوزیع.
۱۰. آلبنی، ناصرالدین، (۱۴۳۱ق)، موسوعه الالبانی فی العقیده، صنعاء: مرکز النعمان للبحوث والدراسات الإسلامیه.
۱۱. آمدی، علی بن محمد، (۱۴۲۳ق)، ابکار الافکار فی اصول الدین، مصر: دار الکتب و وثایق القیومیه.
۱۲. بحرانی، ابن میثم، (۱۴۰۶ق)، قواعد المرام فی علم الکلام، تحقیق سید احمد حسینی، قم: مكتبة آیت الله مرعشی نجفی، دوم.
۱۳. بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، (بی تا)، شرح السنه، بی جا: بی نا.
۱۴. بزدوی، محمد بن محمد، (۱۴۲۴ق)، اصول الدین، قاهره: مكتبة ازهریه للتراث.

١٥. بغدادی، عبدالقاهر، (٢٠٠٣م)، اصول الايمان، تحقيق: ابراهيم محمد رمضان، بيروت: دار و مكتبة الهلال.
١٦. بياضی، احمد بن حسن، (١٣٦٨ش)، اشارات المرام من عبارات الامام، قاهره: مكتبة و مطبعة مصطفى الباني و اولاده.
١٧. تفتازانی، سعدالدين، (١٤٠٧ق)، شرح العقاید النسفیة، تحقيق: سقا حجازی، قاهره: مكتبة الكليات الازهرية.
١٨. ———، شرح المقاصد، تعليق: عبدالرحمن عميره، قم: نشر شريف رضى.
١٩. جرجانی، سيد شريف، (١٣٢٥ش)، شرح المواقف، تصحيح بدرالدين نعلانی، قم: نشر شريف رضى.
٢٠. حابس، احمد بن يحيى، (١٤٢٠ق)، الايضاح فى شرح المصباح، تصحيح: حسن بن يحيى يوسفى، صنعاء: دارالحكمة اليمانية.
٢١. حلّی، حسن بن يوسف بن مطهر، (١٣٦٣ش)، انوار الملكوت فى شرح الياقوت، تحقيق: محمد نجمى زنجانى، قم: نشر شريف رضى، دوم.
٢٢. ———، كشف المراد فى شرح تجريد الاعتقاد، تحقيق: حسن حسن زاده آملی، قم: موسسه نشر اسلامى، چهارم.
٢٣. حنفى ماتريدى، ابو ثناء، (١٩٥٥م)، التمهيد لاصول التوحيد، تحقيق: عبدالحميد تركى، بيروت: دار المغرب الاسلامى.
٢٤. خمينى، سيد روح الله، (١٣٩٠ش)، معاد از دیدگاه امام خمينى، تبیان دفتر سى ام، قم: موسسه نشر آثار امام.
٢٥. راغب اصفهانی، حسين بن محمد، (١٤١٢ق)، مفردات الفاظ قرآن، تحقيق: صفوان عدنان داوودى، بيروت: دارالقلم.
٢٦. رصاص، احمد بن حسن، (١٤٢٤ق)، مصباح العلوم فى معرفة الحى القيوم، صنعاء: مكتبة مركز بدر.
٢٧. سبجانی، جعفر، (١٤٢٥ق)، الفكر الخالد فى بيان العقائد، قم: موسسه امام صادق عليه السلام.
٢٨. ——— (بى تا)، مفاهيم القرآن، قم: موسسه امام صادق عليه السلام.
٢٩. سيد مرتضى، (١٤١١ق)، الذخيره فى علم الكلام، تحقيق: سيد احمد حسینی، قم: موسسه نشر اسلامى.
٣٠. شلتوت، شيخ محمود، (١٤٢١ق)، الاسلام عقيدة و شريعة، قاهره: دار الشروق.
٣١. سفارینى حنبلى، شمس الدين ابوالعون محمد بن احمد، (١٩٨٢م)، لوامع الأنوار البهية، دمشق: مؤسسة الخافقين، دوم.

۳۲. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، (۱۳۶۴ش)، الملل و النحل، تحقیق: محمد بدران، قم: بی‌نا، سوم.
۳۳. شنیطی، محمد خضر بن سید عبدالله، (۱۹۹۵م)، کوثر المعانی الدراری فی کشف خبایا صحیح البخاری، بیروت: مؤسسة الرسالة.
۳۴. صالح بن عبدالعزیز، (بی‌تا)، إتحاف السائل بما فی الطحاویة من مسائل (شرح عقیده الطحاوی)، بی‌جا: بی‌نا.
۳۵. صدوق، محمد بن علی، (۱۴۱۴ق)، الاعتقادات، قم: المؤتمر العالمی للشیخ مفید، دوم.
۳۶. طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۹۳ش)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: اسماعیلیان.
۳۷. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۰۶ق)، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، بیروت: دارالاضواء، دوم.
۳۸. طوسی، خواجه نصیرالدین، (۱۴۰۷ق)، تجرید الاعتقاد، تحقیق حسینی جلالی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۳۹. _____، (۱۴۰۵ق)، تلخیص المحصل، بیروت: دارالاضواء، دوم.
۴۰. _____، (۱۴۰۵ق)، رسائل خواجه نصیرالدین طوسی، بیروت: دارالاضواء، دوم.
۴۱. فاضل مقداد، (۱۴۰۵ق)، ارشاد الطالبین الی نهج المسترشدین، تحقیق: سید مهدی رجائی، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی.
۴۲. _____، (۱۴۲۰ق)، انوار الجلالیة فی شرح فصول النصیریة، تحقیق: علی حاجی آبادی و عباس جلالی‌نیا، مشهد: مجمع البحوث الاسلامیة.
۴۳. فخر رازی، محمد بن عمر، (۱۴۱۱ق)، المحصل، تحقیق: دکتر اتای، عمان: دار الرازی.
۴۴. _____، (۱۴۲۰ق)، مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، سوم.
۴۵. قاسم بن محمد بن علی، (۱۴۲۱ق)، اساس العقاید الاکیاس، تعلیق محمد قاسم عبدالله، صعده: مکتبه التراث الاسلامی، سوم.
۴۶. بخاری قنوجی، محمد صدیق خان، (۱۹۲۲م)، فتح البیان فی مقاصد القرآن، بیروت: المکتبة العصریة للطباعة والنشر.
۴۷. قبادیانی، ناصر خسرو، (۱۳۸۴ش)، خوان الاخوان، تصحیح علی اکبر قبادیانی، تهران: انتشارات اساطیر.
۴۸. _____، (بی‌تا)، وجه دین، تهران: کتابخانه طهوری.
۴۹. کاشانی، فیض، (۱۳۷۵ش)، اصول المعارف، تصحیح: سید جلال‌الدین آشتیانی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، سوم.
۵۰. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، الکافی، تحقیق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دار الکتب الاسلامیة، چهارم.

۵۱. کشمیری، محمد انور شاه، (۱۴۲۵ق)، *إكفار الملحدين في ضروريات الدین*، پاکستان: المجلس العلمي، سوم.
۵۲. لاهیجی، فیاض، (۱۳۸۳ش)، *گوهر مراد*، تهران: سایه.
۵۳. ماتریدی، ابو منصور، (۱۴۲۷ق)، *التوحيد*، تحقیق: دکتر عاصم ابراهیم، بیروت: دارالکتب العلمية.
۵۴. ———، (بی تا)، *تاویلات اهل السنة*، بیروت: دارالکتب العلمية: منشورات محمد علی بیضون.
۵۵. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۴ق الف)، *بحار الانوار*، بیروت: موسسه الوفا.
۵۶. ———، (۱۴۰۴ق ب)، *مرآة العقول*، تحقیق: سید هاشم حسینی، تهران: دارالکتب الاسلامیة، دوم.
۵۷. مفید، محمد بن نعمان، (۱۴۱۳ق)، *اوائل المقالات فی المذاهب و المختارات*، قم: المؤتمر العالمي للشيخ مفید.
۵۸. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، (۱۴۱۹ق)، *حاشیه بر الهیات شرح تجرید*، تحقیق: احمد عابدی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، دوم.
۵۹. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۷ش)، *پیام قرآن*، قم: جامعه مدرسین، پنجم.
۶۰. یحیی بن قاسم بن حسین، (۱۴۲۱ق)، *مجموعه رسائل امام هادی الی الحق القویم*، تحقیق: عبدالله شاذلی، مقدمه مجدالدین مویدی، صنعاء: موسسه امام زید بن علی.
۶۱. یزدی، سید محمد کاظم، (۱۴۳۳ق)، *العروة الوثقی*، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.